
تحلیل روند تجارت بین ایران و اتحادیه اروپا از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵: از تحریم ثانویه آمریکا تا تعامل

سامیه سلیمانی*^۱ - رضا سیمبر^۲

چکیده:

تحریم‌های ثانویه آمریکا به عنوان ابزاری برای فشار حداکثری، تأثیر قابل توجهی بر روابط خارجی تجاری و دیپلماتیک ایران و اتحادیه اروپا گذاشته و تعامل روابط فی‌مابین را دستخوش تحولاتی کرده است. این پژوهش با استفاده از چارچوب نظری سازه‌نگاری و روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی روند تجارت دوجانبه در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ و عوامل بین‌المللی مؤثر بر آن می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش بدین شرح است: تجارت ایران و اتحادیه اروپا در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ چه روندی را طی کرده و تحریم‌های ثانویه آمریکا چه تاثیری بر این روند گذاشته است؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که تحریم‌های ثانویه آمریکا با ایجاد فشار ساختاری بر اتحادیه اروپا، موجب تضعیف استقلال عمل این اتحادیه در تعامل با ایران شده و نوسانات چشمگیری در حجم تجارت دوجانبه و در مجموع روابط این اتحادیه با ایران ایجاد کرده است، به طوری که تشدید تحریم‌ها با کاهش تجارت و کاهش تحریم‌های با افزایش مبادلات همراه بوده اند. این پژوهش با تحلیل ابعاد سیاسی، اقتصادی و هنجارهای روابط دو طرف، به تبیین متغیرهای بین‌المللی بر روند تجارت متقابل و نقش عوامل تأثیرگذار می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تحریم‌های ثانویه، روابط ایران و اتحادیه اروپا، سازه‌نگاری

^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

sa.soleymani.sa@gmail.com

^۲ - استاد تمام گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقدمه

تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا، به عنوان ابزار محوری در راهبرد «فشار حداکثری»، تأثیراتی چندلایه بر روابط تجاری و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا گذاشته‌اند. این تحریم‌ها که از سال ۲۰۱۸ و پس از خروج آمریکا از برجام با شدتی بی‌سابقه اعمال شدند، نه تنها اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار دادند، بلکه با هدف قراردادن بازیگران ثالث از جمله اعضای اتحادیه اروپا، استقلال عمل دیپلماتیک و اقتصادی این اتحادیه را با چالش‌های ساختاری مواجه ساختند. در این میان، اتحادیه اروپا علی‌رغم تمایل آشکار و ظاهری به حفظ توافق هسته‌ای و تعامل سازنده با ایران، به دلیل وابستگی نظام مالی و تجاری خود به ایالات متحده، نتوانست در برابر این فشارها ایستادگی مؤثری انجام دهد.

اتحادیه اروپا به عنوان کنشگری هنجاری و از حامیان اصلی چندجانبه‌گرایی، با تناقضی جدی میان تعهدات حقوقی (حمایت از برجام) و منافع اقتصادی (وابستگی به بازار آمریکا) روبه‌رو شد. اگر چه این اتحادیه در گفتمان رسمی خود بر پایبندی به برجام، مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی و دفاع از تعامل با ایران تأکید داشت، اما در عمل، شرکت‌های اروپایی تحت تأثیر تعهدات تحریمی آمریکا، به تدریج از بازار ایران خارج شدند. این شکاف میان «گفتمان» و «عمل»، نه تنها جایگاه اتحادیه اروپا را به عنوان بازیگری مستقل تضعیف کرد، بلکه به بی‌اعتمادی فزاینده در روابط ایران و اروپا دامن زد. با ذکر توضیحات فوق؛ هدف از پژوهش حاضر، پاسخ به این سؤال کلیدی و مهم است که؛ تجارت ایران و اتحادیه اروپا در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ چه روندی را طی کرده و تحریم‌های ثانویه آمریکا چگونه بر این روند تأثیر گذاشته است؟ فرضیه پژوهش اینگونه مطرح می‌شود که تحریم‌های ثانویه آمریکا با ایجاد فشار ساختاری بر اتحادیه اروپا، توانایی این اتحادیه را برای اتخاذ سیاست‌های مستقل در قبال ایران کاهش داده و منجر به نوسانات معناداری در حجم تجارت دوجانبه شده است؛ به گونه‌ای که تشدید تحریم‌ها با کاهش مبادلات و کاهش تحریم‌ها با بهبود نسبی تجارت همراه بوده است. اهمیت انجام پژوهش نیز از آن جهت است که از سال ۲۰۱۰ تا کنون، روابط اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا تحت تأثیر متغیرهای پیچیده‌ای از جمله تحولات ژئوپلیتیک، بحران هسته‌ای ایران، تغییر در سیاست‌های کلان تحت تأثیر خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های بین‌المللی به ویژه تحریم‌های ثانویه، نوسانات شدیدی را تجربه کرده است. برای نمونه، در دوره‌های کاهش حجم تحریم‌ها (۲۰۱۶-۲۰۱۷) شاهد رشد چشمگیر مبادلات تجاری بودیم، در حالی که پس از اعمال تحریم‌های ثانویه در ۲۰۱۸، حجم تجارت به سرعت کاهش یافت. این روند نشان دهنده تأثیر مستقیم متغیرهای سیاسی بر پویایی‌های اقتصادی است.

چارچوب نظری؛ سازه‌انگاری

سازه‌انگاری به عنوان یکی از رویکردهای مهم در نظریه روابط بین‌الملل، با تأکید بر نقش هنجارها، ایده‌ها و گفتمان در شکل دهی به هویت و منافع بازیگران، چارچوب مناسبی برای تحلیل تحولات روابط ایران و اتحادیه اروپا تحت تأثیر تحریم‌های ثانویه آمریکا ارائه می‌دهد. این نظریه که در دهه‌های پایانی قرن بیستم ظهور کرد، در تقابل با رویکردهای مادی‌گرایانه مانند واقع‌گرایی و لیبرالیسم، بر ساخته شدن اجتماعی واقعیت‌های بین‌المللی تأکید دارد. برخلاف واقع‌گرایان که نظام بین‌الملل را صرفاً بر اساس توزیع قدرت مادی تحلیل می‌کنند، سازه‌انگاران معتقدند «آنارشی» مفهومی ذهنی است که از طریق تعاملات اجتماعی و گفتمان‌های سیاسی معنا می‌یابد (ونت، ۱۳۹۸: ۲۵).

پیشگامان این نظریه، همچون ونت، کراتوچویل و کاتزنشتاین، در میانه طیف اثبات‌گرایان و پس‌اساختارگرایان قرار دارند و در مباحث محتوایی نیز بین واقع‌گرایی و لیبرالیسم جای می‌گیرند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۱۵). از منظر سازه‌انگاری، هویت‌های دولتی و منافع ملی اموری ثابت و پیشینی نیستند، بلکه در فرآیند تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند و متحول می‌شوند (Checkel, 327: 1998). این دیدگاه، واقعیت را پدیده‌ای تاریخی و در حال تغییر می‌داند که تحت تأثیر فرهنگ، هنجارها و گفتمان‌های مسلط بازتعریف می‌شود (علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۱۸۷). سازه‌انگاری با تکیه بر رابطه دیالکتیکی ساختار و کارگزار، نشان می‌دهد که چگونه کنش‌های بازیگران، ساختارهای بین‌المللی را می‌سازند و چگونه این ساختارها به نوبه خود بر هویت و منافع آن‌ها تأثیر می‌گذارند (مجتهدی زنجیرآباد و عیوضی، ۱۳۹۷: ۱۹۲). در این چارچوب، و در راستای ارتباط با پژوهش حاضر، تحریم‌های ثانویه آمریکا صرفاً ابزارهای اقتصادی یا حقوقی نیستند، بلکه حامل معناسازی‌های گفتمانی‌اند که هویت ایران و اتحادیه اروپا را در نسبت با یکدیگر بازتعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، موفقیت تحریم‌ها تنها به کارایی مادی آن‌ها وابسته نیست، بلکه به پذیرش هنجاری و گفتمانی آن‌ها در نظام بین‌الملل بستگی دارد (Finnemore & Sikkink, 2001: 392).

سازه‌انگاری را می‌توان از نظر سطح تحلیل به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **سازه‌انگاری کل‌نگر:** که بر تعامل هویت‌های ملی و بین‌المللی تأکید دارد و معتقد است سیاست خارجی محصول ادغام محیط هنجاری داخلی و خارجی است (محمّدنیا، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۴۰).

۲. **سازه‌انگاری سطح واحد (داخلی):** نقش هنجارهای داخلی را در شکل‌دهی به هویت دولت‌ها پررنگ می‌داند (Katzenstein, 68: 1996).

۳. **سازه‌انگاری سیستمی (نظام‌محور):** با نقد مادی‌گرایی والتز، بر توزیع انگاره‌های فرهنگی به جای توانمندی‌های مادی تأکید می‌کند (ونت، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

در این پژوهش، تحریم‌های ثانویه آمریکا به مثابه ابزاری برای تغییر محیط هنجاری اتحادیه اروپا تحلیل می‌شوند. این تحریم‌ها با ایجاد اجماع گفتمانی حول «تهدید ایران»، اروپا را تحت فشار قرار داده‌اند تا هویت سیاست خارجی خود را میان تعهد به چندجانبه‌گرایی و تبعیت از هژمونی آمریکا بازتعریف کند. برای مثال، سازوکار اینستکس در دوره زمانی خود، به عنوان واکنش اروپا به تحریم‌ها، نه تنها یک ابتکار اقتصادی، بلکه بازتابی از تلاش برای حفظ هویت مستقل راهبردی در برابر فشارهای آمریکا بود. از دیدگاه سازه‌انگاری، تحلیل روابط ایران و اتحادیه اروپا مستلزم بررسی گفتمان‌های رسمی، اسناد سیاسی و بازنمایی‌های هویتی است. مفاهیمی مانند «استقلال راهبردی»، «حفظ برجام» و «قانون‌محوری» در گفتار اروپایی‌ها، نشانه‌ای از تقلای این اتحادیه برای تثبیت هویتی مستقل از منطق تحریمی آمریکاست. پژوهش حاضر، به دنبال فهم این پویایی‌های گفتمانی و هویتی است، نه صرفاً سنجش تأثیرات اقتصادی تحریم‌ها. بر این اساس، تحریم‌های ثانویه آمریکا صرفاً به عنوان ابزاری اقتصادی نیستند، بلکه بازتابی از «گفتمان سلطه» در روابط بین‌الملل هستند که هویت اتحادیه اروپا را از «بازیگر مستقل» به «کنشگری تابع محدودیت‌های ساختاری» تبدیل کرده‌اند. این پژوهش با ترکیب داده‌های اقتصادی (آمار تجاری) و تحلیل‌های کیفی (اسناد دیپلماتیک و بیانیه‌های رسمی)، به دنبال تبیین علل و پیامدهای این تحولات است.

مبانی مفهومی

تعریف تحریم‌های ثانویه و تفاوت آن با تحریم‌های اولیه

تحریم‌ها به دو نوع اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند. تحریم‌های اولیه مستقیماً بر اتباع و شرکت‌های یک کشور خاص تأثیر می‌گذارند و آنها را از تعامل اقتصادی با کشور هدف منع می‌کنند. به عنوان مثال، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران که شهروندان و شرکت‌های آمریکایی را از تعامل با ایران بازمی‌دارد، نمونه‌ای از این نوع تحریم‌هاست (Katzman, 2021:3). تحریم‌های اولیه تنها محدود به قلمرو کشور تحریم‌کننده هستند و در نتیجه، تأثیرات آن‌ها تنها در سطح ملی احساس می‌شود. در مقابل، تحریم‌های ثانویه بر تعاملات شرکت‌ها، کشورها و نهادهای خارجی با کشور هدف تمرکز دارند. این نوع تحریم‌ها به منظور تحت فشار قرار دادن کشور هدف، کشورهای ثالث را که با آن تعامل دارند تهدید به مجازات می‌کنند. برای مثال، شرکت‌های اروپایی که در چارچوب برجام با ایران همکاری می‌کردند، به دلیل تعامل با ایران هدف تحریم‌های ثانویه ایالات متحده قرار گرفتند (Farrell & Newman, 2019:48). این تحریم‌ها، برخلاف تحریم‌های اولیه، تأثیرات فرامرزی دارند و می‌توانند فشار زیادی بر اقتصاد و سیاست کشورهای ثالث وارد کنند (نجف‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲-۳۱).

تحریم‌های ثانویه آمریکا به مجموعه‌ای از تدابیر تنبیهی گفته می‌شود که دولت ایالات متحده فراتر از مرزهای سرزمینی خود و با هدف جلوگیری از تعامل اقتصادی دیگر کشورها با طرف‌های تحریمی، از جمله ایران، اعمال می‌کند. در واقع، این تحریم‌ها نوعی سیاست فراملی محسوب می‌شوند که تلاش دارند تا از طریق تهدید به قطع دسترسی به بازار آمریکا یا نظام مالی دلارمحور، بازیگران ثالث را وادار به پیروی از سیاست‌های تحریمی ایالات متحده سازند. تحریم‌های ثانویه با محوریت دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا، به‌ویژه پس از خروج این کشور از برجام در سال ۲۰۱۸، به‌طور فزاینده‌ای علیه ایران اعمال شد و عملاً توانایی دیگر کشورها در حفظ روابط اقتصادی مشروع با تهران را به چالش کشید. این تحریم‌ها همچنین می‌توانند اثرات ناخواسته‌ای بر اقتصاد جهانی داشته باشند و به وابستگی متقابل اقتصادی آسیب بزنند. در حالی که هدف از تحریم‌های ثانویه ایجاد فشار بر کشور هدف است، این تحریم‌ها می‌توانند به تضعیف چندجانبه‌گرایی و نظم اقتصادی جهانی منجر شوند. تحریم‌های ثانویه، به‌ویژه وقتی به‌طور گسترده و با دقت اجرا شوند، می‌توانند تعاملات اقتصادی و تجاری کشورها را مختل کنند و روابط بین‌المللی را پیچیده‌تر کنند (ترکی و مظاهری، ۱۳۹۹: ۵۸).

در سوی دیگر، مفهوم «روابط خارجی اتحادیه اروپا» به مجموعه سیاست‌ها، راهبردها و کنش‌های اتحادیه در عرصه بین‌المللی اشاره دارد که ذیل سیاست خارجی و امنیتی مشترک و سیاست امنیتی و دفاعی مشترک تعریف می‌شود. این روابط، هم در سطح نهادی و هم در سطح دولت‌های عضو، متأثر از اصول بنیادین اتحادیه نظیر چند-جانبه‌گرایی، حقوق بین‌الملل، و اولویت دیپلماسی بر تقابل است. در این مقاله، منظور از روابط خارجی اروپا، موضع‌گیری‌ها و اقدامات مشخص این اتحادیه در واکنش به اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران است؛ از جمله تلاش برای حفظ توافق هسته‌ای (برجام)، راهاندازی سازوکار مالی اینستکس، تصویب قوانین حمایتی مانند قانون مسدودکننده و بیانیه‌های سیاسی صادر شده از سوی مقامات عالی‌رتبه اروپایی.

پیشینه روابط ایران و اتحادیه اروپا پیش از تحریم‌های ثانویه

پیش از اعمال تحریم‌های ثانویه، روابط ایران و اتحادیه اروپا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روندی توسعه‌محور داشت. در دهه ۱۹۹۰، اتحادیه اروپا سیاست «گفت‌وگوی انتقادی» را با هدف تعادل بین نگرانی‌های امنیتی و حفظ کانال‌های دیپلماتیک با ایران آغاز کرد. مسائل حقوق بشر و عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای از موضوعات اصلی این گفت‌وگوها بودند (European Council, 2018). این سیاست به عنوان ابزاری برای مدیریت روابط با ایران و تلاش برای تغییر تدریجی رفتار ایران و شکل‌دهی به هنجارهای جدید بین‌المللی بود. از نظر اقتصادی، اتحادیه اروپا تا پیش از سال ۲۰۱۰ یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران بود و تجارت میان دو طرف عمدتاً شامل واردات انرژی از ایران و صادرات محصولات صنعتی و فناوری از اروپا بود. در این دوره، تجارت با اتحادیه اروپا ۲۴٪ از کل تجارت کالایی ایران را تشکیل می‌داد تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه تحریم‌های آمریکا، موجب کاهش این همکاری‌ها شد. در حوزه فرهنگی، تعاملات علمی و دانشگاهی نقش مؤثری در تقویت روابط ایران و اروپا داشت. برنامه‌های تبادل دانشجویی و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک از جمله نقاط برجسته این همکاری‌ها بودند که به تقویت پیوندهای فرهنگی میان دو طرف و فرآیند اجتماعی شدن ایران در جامعه بین‌المللی کمک کردند (Robinson, 2021). این تعاملات فرهنگی بخشی از تلاش اتحادیه اروپا برای شکل‌دهی به هویت بین‌المللی جدید برای ایران و تثبیت تعامل با غرب به عنوان یک ارزش مثبت در سیاست خارجی ایران بود.

توافق هسته‌ای برجام و نقش آن در بهبود روابط ایران و اروپا

توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵ نقطه عطفی در روابط ایران و اتحادیه اروپا بود. این توافق که با هدف اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران و کاهش تحریم‌ها امضا شد، منجر به بهبود چشمگیری در روابط دو طرف گردید. اجرای برجام باعث لغو بسیاری از تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران توسط اتحادیه اروپا و سازمان ملل شد و روابط اقتصادی و تجاری ایران با اروپا رونق یافت (European Union External Action Service, 2015).

برجام تنها محدود به مسائل هسته‌ای نبود بلکه به عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به هنجارهای بین‌المللی و معرفی ایران به عنوان یک بازیگر مسئول در نظام جهانی عمل می‌کرد. اتحادیه اروپا نقش کلیدی در مذاکرات و اجرای برجام داشت و از این توافق به عنوان ابزاری برای تقویت امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده می‌کرد (European Council on Foreign Relations, 2020). با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌ها، روابط ایران و اتحادیه اروپا دچار چالش‌هایی شد. اتحادیه اروپا تلاش کرد تا از طریق سازوکارهایی مانند اینستکس، بخشی از روابط اقتصادی خود را با ایران حفظ کند، اما این تلاش‌ها تحت فشار تحریم‌های ثانویه آمریکا به نتیجه مطلوب نرسید (Robinson, 2021).

خروج آمریکا از برجام نه تنها تغییری در سیاست اقتصادی ایجاد نکرد، بلکه باعث شکل‌گیری گفتمان جدیدی در روابط بین‌الملل شد که در آن، تعهدات بین‌المللی در برابر فشارهای یک جانبه آمریکا شکننده‌تر شدند. برجام به بستری برای تقویت روابط سیاسی تبدیل شد و اتحادیه اروپا تلاش کرد تا تعاملات سازنده با ایران را حفظ کند. با خروج آمریکا در ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های ثانویه، این توافق تحت تأثیر قرار گرفت. این تحولات نمایانگر تغییر در هنجارهای بین‌المللی و تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ بر روندهای جهانی است.

۱- تأثیر تحریم‌های ثانویه بر روابط خارجی ایران و اتحادیه اروپا

۱-۱- تأثیر سیاسی و دیپلماتیک

تضعیف یا تقویت دیپلماسی بین ایران و اروپا: تحریم‌های ثانویه آمریکا، علیه ایران پس از خروج این کشور از برجام در سال ۲۰۱۸، نه تنها اقتصاد ایران را هدف قرار داد، بلکه پیامدهای گسترده‌ای بر سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک ایران و اتحادیه اروپا به همراه داشت. این تحریم‌ها با هدف تغییر رفتار ایران و وادارسازی اتحادیه اروپا به پیروی از سیاست‌های آمریکا طراحی شدند (Geranmayeh & Rapnouil, 2019). در این راستا، آمریکا از ابزارهای اقتصادی و هنجاری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات بازیگران بین‌المللی استفاده کرده است. اتحادیه اروپا، با وجود تعهد به چندجانبه‌گرایی و حمایت از برجام، به دلیل وابستگی اقتصادی به آمریکا نتوانست در برابر این فشارها استقلال عمل داشته باشد. شرکت‌های اروپایی به دلیل تهدید تحریم‌های آمریکا از بازار ایران خارج شدند و تلاش‌های دیپلماتیک اتحادیه برای حفظ روابط تجاری با ایران، از جمله ایجاد اینستکس، ناکام ماند (Hengel & Others, 2018). این ناکامی نشان داد که اتحادیه اروپا با وجود ادعای استقلال، همچنان به ساختار مالی و سیاسی تحت سلطه آمریکا وابسته است. در این میان، ایران سیاست مقاومت فعال را در پیش گرفت و تلاش کرد از طریق تقویت روابط با سایر قدرت‌ها مانند چین و روسیه، وابستگی اقتصادی خود به غرب را کاهش دهد. مقامات ایرانی بر این موضع تأکید داشتند که مذاکرات و تعاملات بین‌المللی باید بر اساس احترام متقابل و بدون فشار صورت گیرد (Azizi & Van Veen, 2024).

از سوی دیگر، مقامات اروپایی بارها حمایت خود را از برجام اعلام کردند. فدریکا موگرینی، مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا، بر اهمیت توافق هسته‌ای برای حفظ امنیت و صلح بین‌المللی تأکید کرد (European External Action Service, 2018). با وجود این، تحولات اخیر از جمله اتهام‌های غرب علیه ایران درباره ارسال تسلیحات به روسیه، موجب افزایش فشارهای دیپلماتیک شده و روابط ایران و اروپا را بیش از پیش متشنج کرده است (Reuters, 2024).

در مجموع، تحریم‌های ثانویه، اتحادیه اروپا را در موقعیتی دشوار قرار داده است، به گونه‌ای که این اتحادیه تلاش می‌کند تعادلی میان تعهدات خود به برجام و فشارهای آمریکا برقرار کند. در مقابل، ایران با کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای و تقویت روابط با بلوک‌های شرقی، به دنبال بازتعریف موقعیت خود در نظم بین‌المللی است. تحریم‌های ثانویه نه تنها ابزار فشار اقتصادی، بلکه ابزاری برای تغییر هنجارهای نظام بین‌الملل و بازتعریف جایگاه بازیگران در صحنه جهانی محسوب می‌شوند.

۱-۲- تأثیر اقتصادی و تجاری

کاهش سطح مبادلات اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک: بعد از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ و بازگشت تحریم‌های ثانویه علیه ایران، روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا به شدت آسیب دید. شرکت‌های اروپایی به دلیل نگرانی از مواجهه با تحریم‌های ایالات متحده و تبعات آن، فعالیت‌های خود در ایران را متوقف کردند. این امر موجب کاهش قابل توجه سطح مبادلات اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین ایران و اتحادیه اروپا شد. به عنوان مثال، صادرات اتحادیه اروپا به ایران در دوره پس از رفع تحریم‌ها در سال

۲۰۱۶ به شدت افزایش یافت، اما پس از اعمال مجدد تحریم‌ها، این ارقام به طرز چشمگیری کاهش یافت و به ۶۳ درصد از سطح قبلی رسید (Batmanghelidj, 2021).

این کاهش فقط ناشی از ملاحظات مالی نبوده بلکه بیانگر تغییرات عمده در هنجارهای بین‌المللی و گفتمان مسلط در روابط بین‌الملل است. اتحادیه اروپا برای مقابله با تأثیرات این تحریم‌ها، اقداماتی نظیر به‌روزرسانی «قانون مسدودساز» در سال ۲۰۱۸ را انجام داد تا از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های ایالات متحده محافظت کند. این قانون قصد داشت خسارات ناشی از تحریم‌ها را جبران و اثرات آن‌ها را در اتحادیه اروپا بی‌اعتبار کند. با این حال، بسیاری از شرکت‌ها به دلیل وابستگی به بازار و سیستم مالی ایالات متحده، قادر به ادامه فعالیت در ایران نبودند (European External Action Service, 2018). این تلاش‌ها در راستای حفظ استقلال استراتژیک اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل ارزیابی می‌شود، اما ناکامی آن‌ها نشان می‌دهد که ساختارهای هنجاری و وابستگی اقتصادی اروپا به ایالات متحده، مانع از اعمال سیاست‌های مستقل در قبال ایران شده و جایگاه اتحادیه اروپا را به عنوان یک قدرت مستقل تضعیف کرده است.

در نهایت، ایران به منظور کاهش تأثیرات این تحریم‌ها، به سمت تقویت روابط اقتصادی با شرکای غیرغربی مانند چین و روسیه حرکت کرده است. این تغییر در سیاست‌های تجاری ایران می‌تواند در بلندمدت موجب تغییرات بنیادین در مسیر تجارت خارجی کشور شود.

رویدادهای مهم	سال	صادرات به اتحادیه اروپا	واردات از اتحادیه اروپا	کل تجارت (میلیون یورو)
قبل از تحریم‌های شدید	۲۰۱۰	۴,۲۳۶	۱۱,۴۰۵	۱۵,۶۴۱
آغاز تحریم‌های گسترده اتحادیه اروپا	۲۰۱۲	۱,۰۳۹	۸,۲۶۰	۹,۲۹۹
توافق برجام در تیر ۱۳۹۴	۲۰۱۵	۱,۲۳۵	۷,۸۳۵	۹,۰۷۰
اجرای برجام و کاهش تحریم‌ها	۲۰۱۶	۵,۵۰۹	۸,۲۴۲	۱۳,۷۵۱
خروج آمریکا از برجام	۲۰۱۸	۸,۹۰۷	۸,۹۰۰	۱۷,۸۰۷
کاهش شدید تجارت پس از بازگشت تحریم‌ها	۲۰۱۹	۷۵۲	۴,۶۵۱	۵,۴۰۳
تلاش اروپا برای احیای برجام	۲۰۲۲	۱,۰۱۶	۵,۰۰۰	۶,۰۱۶
تداوم مذاکرات بدون نتیجه قطعی	۲۰۲۴ (برآورد)	۱,۲۰۰	۵,۵۰۰	۶,۷۰۰
بر اساس تداوم وضعیت فعلی	۲۰۲۵ (پیش‌بینی)	۱,۵۰۰	۶,۰۰۰	۷,۵۰۰

جدول تجارت ایران - اتحادیه اروپا؛ ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵
(Eurostat, 2025)

۳-۱- تأثیر امنیتی و استراتژیک

تأثیر بر همکاری های امنیتی و مبارزه با تروریسم: تحریم های ثانویه، به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، تأثیرات زیادی بر همکاری های امنیتی و مبارزه با تروریسم میان ایران و اتحادیه اروپا داشته است. اتحادیه اروپا که حامی برجام بود، با تشدید تحریم ها با چالش هایی در حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود روبه رو شده است. این اتحادیه نمی تواند به طور مستقل از آمریکا در مسائل کلیدی مانند برجام عمل کند، زیرا ایالات متحده از طریق تحریم های ثانویه، بخش خصوصی اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار می دهد (Rosenberg, 2018). این تحریم ها فراتر از ابزار اقتصادی هستند و برای اعمال هنجارهای جدید در نظام بین الملل طراحی شده اند که تأثیراتی بر رفتار ایران و اتحادیه اروپا دارند.

این تغییر در رویکرد اتحادیه اروپا باعث بازنگری در سیاست های اقتصادی و دیپلماتیک این اتحادیه شده است. به جای حمایت قاطع از برجام، اتحادیه اروپا در تلاش است تا راهکارهایی برای کاهش تأثیرات منفی تحریم های ثانویه بر روابطش با ایران پیدا کند (Rosenberg, 2018). این تغییرات استراتژیک می تواند بر آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا تأثیرگذار باشد. این روند نشان دهنده تغییر در هنجارهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا و پذیرش فشارهای ایالات متحده به عنوان یک قاعده جدید در روابط بین الملل است. با این حال، همکاری های امنیتی ایران و اتحادیه اروپا در برخی حوزه ها مانند مقابله با تروریسم و افراط گرایی ادامه دارد، ولی این همکاری ها تحت تأثیر تحریم های آمریکا قرار گرفته است.

تغییر در رویکرد های استراتژیک اتحادیه اروپا نسبت به ایران

تحریم های ثانویه تأثیرات زیادی بر استراتژی های اتحادیه اروپا در قبال ایران داشته است. اتحادیه اروپا که حامی برجام بود، با تشدید این تحریم ها با چالش هایی در حفظ منافع خود روبه رو شده است. اتحادیه اروپا نمی تواند در مسائل مهم مانند برجام مستقل از آمریکا عمل کند و در صورت مغایرت با سیاست های آمریکا، تحریم های ثانویه بخش خصوصی اروپا را تحت فشار قرار می دهد (The Guardian, 2018). این وضعیت نشان دهنده تغییر در گفتمان سیاست خارجی اتحادیه اروپا و هم راستا شدن با هنجارهای جدید بین المللی است. این تغییر در رویکرد اتحادیه اروپا منجر به بازنگری در سیاست های اقتصادی و دیپلماتیک آن شده است. اتحادیه اروپا به جای حمایت از برجام، به دنبال کاهش تأثیرات تحریم های ثانویه بر روابط با ایران است (The guardian, 2018). این تغییرات نشان دهنده پذیرش یک نظم بین المللی جدید است که در آن اتحادیه اروپا به عنوان بخشی از ساختار قدرت جهانی عمل می کند.

اتحادیه اروپا در حال بازتعریف روابط خود با ایران است، از جمله افزایش وابستگی به کانال های اقتصادی مانند اینستکس و ایجاد روابط استراتژیک با دیگر بازیگران جهانی. این تغییرات نشان دهنده تلاش اتحادیه اروپا برای تطبیق با هنجارهای جدید بین المللی و حفظ جایگاه خود بدون تقابل مستقیم با آمریکا است. اتحادیه اروپا همچنین به دنبال دعوت ایران به مذاکرات جدید است، اما این رویکرد تحت تأثیر فشارهای ایالات متحده قرار دارد. در نهایت، سیاست اتحادیه اروپا تلاشی برای ایجاد تعادل میان استقلال استراتژیک و پذیرش واقعیت های جدید است.

ایران با اتخاذ دیپلماسی چندجانبه و تقویت روابط منطقه‌ای، به دنبال کاهش وابستگی به غرب و مقابله با فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها است. عضویت در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۱ و توسعه همکاری با بلوک‌های اقتصادی غیرغربی، از جمله راهبردهای ایران در این زمینه محسوب می‌شوند. این اقدامات با هدف ایجاد جایگزین‌هایی برای نظام مالی بین‌المللی تحت سلطه غرب و کاهش محدودیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها انجام شده است (Azizi, 2023). راهبردهای ایران برای مقابله با تحریم‌ها، از جمله «چرخش به شرق» و دیپلماسی چندجانبه، بیانگر تلاش این کشور برای کاهش وابستگی به غرب و یافتن جایگزین‌های اقتصادی و سیاسی است. هرچند همکاری با چین و روسیه فرصت‌هایی را فراهم کرده، اما وابستگی بیش‌ازحد به این کشورها می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را کاهش داده و آسیب‌پذیری آن را افزایش دهد. موفقیت این راهبردها مستلزم ایجاد توازن میان منافع اقتصادی و راهبردی است.

بحران اوکراین (فوریه ۲۰۲۲): از زمان آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ اتحادیه اروپا تغییراتی اساسی در مسیر تجارت خارجی خود ایجاد کرد. اعمال تحریم‌های فراگیر علیه روسیه باعث شد حجم صادرات اتحادیه اروپا به روسیه تقریباً به نصف کاهش یابد و جریان تجاری به سمت کشورهای آسیای مرکزی، خاورمیانه و شرق آسیا تغییر مسیر دهد. و همچنین اروپا پیش بحران اوکراین، به روسیه برای برآوردن نیازهای انرژی خود متکی بود. اما روسیه، بعد از وقوع جنگ، در واکنش به تحریم‌های اقتصادی اعمال شده توسط اتحادیه اروپا و غرب، صادرات ۸۰ درصد گاز طبیعی خود به اروپا را قطع کرد. در نتیجه، اروپا در حال حاضر به دنبال منابع جدید برای تأمین انرژی خود است که در این بین، ایران به عنوان گزینه‌ای محتمل و قابل بررسی مطرح شد. ایران و اتحادیه اروپا در بحران اوکراین اغلب راهبرد پیروی از ترجیحات ژئوپلیتیکی را دنبال می‌کنند. بنابراین تداوم این سیاست به معنای حفظ شکاف بین ایران و این اتحادیه حداقل تا پایان این بحران است. روابط ایران و اتحادیه اروپا دیگر در چارچوب سازوکارهای اقتصادی تعریف نمی‌شود، بلکه وارد حوزه‌ای شده که مسائل امنیتی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و بازدارندگی بر آن غلبه دارد. یکی از نمونه‌های این چرخش، خروج اتحادیه اروپا از موقعیت میانجی‌گر در مسئله برجام و موضع‌گیری‌های شدیدتر علیه سیاست خارجی ایران در فضای پساجنگ است. در این فضا، ایران نه تنها به عنوان شریک انرژی، بلکه به عنوان متحد یک قدرت متخاصم (روسیه) بازنمایی می‌شود. این بازنمایی، مبنای تحلیلی تازه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های محدودکننده اتحادیه اروپا در قبال ایران فراهم کرده است (سلطانی گیشینی و ارشدنیا، ۱۴۰۳: ۲۳-۲۴).

این بخش نشان می‌دهد که بحران اوکراین تغییر مؤلفه‌های امنیتی اروپا را موجب شده، نه صرفاً مسیر انرژی را. با قطع گاز روسیه، ایران به عنوان یک گزینه مطرح شد، اما نگرانی از همکاری امنیتی ایران و روسیه باعث شد اروپا نتواند وارد تعامل اقتصادی عمیق شود. این وضعیت، باعث بازتعریف نقش ایران در معادلات ژئوپلیتیکی پساجنگ اوکراین شد و روابط را به سمت امنیتی قرار داد. یکی از پیامدهای جنگ اوکراین، تغییر جایگاه نمادین ایران در سیاست‌گذاری اتحادیه اروپاست. به جای تصور ایران به عنوان بازیگری مستقل و بالقوه در نظم انرژی، اکنون گفتمان امنیتی اروپا آن را به عنوان بخشی از محور ضدغربی تحلیل می‌کند. این تحولات کاملاً با منطق سازه‌انگاری قابل تبیین‌اند، زیرا بازتعریف «هویت دیپلماتیک» اروپا نسبت به ایران، نه بر مبنای داده‌های صرف مادی، بلکه بر اساس ساختارهای ذهنی، گفتمانی و بازنمایی‌های متقابل انجام شده است.

تلاش‌های اتحادیه اروپا برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی در برابر آمریکا

اتحادیه اروپا با به‌روزرسانی «قانون مسدودکننده» در ۲۰۱۸ تلاش کرد از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های ثانویه آمریکا حمایت کند. اما وابستگی اقتصادی به آمریکا باعث شد بسیاری از شرکت‌ها ایران را ترک کنند، و این اقدام اثربخشی محدودی داشت (De Carbonnel, 2018). این سیاست تلاشی برای تقویت چندجانبه‌گرایی و کاهش وابستگی اروپا به نظام مالی آمریکا بود.

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ سازوکار اینستکس را برای تسهیل تجارت بشردوستانه با ایران و کاهش وابستگی به دلار و سیستم مالی آمریکا ایجاد کرد. این سازوکار قرار بود به شرکت‌های اروپایی امکان ادامه تجارت با ایران را بدهد، اما به دلیل فشارهای آمریکا، محدودیت‌های فنی و عدم همکاری کافی از سوی بانک‌های اروپایی، تنها یک تراکنش را در اوایل ۲۰۲۰ انجام داد و در نهایت در مارس ۲۰۲۳ منحل شد (GOV. UK, 2023). در همین راستا، وزرای خارجه فرانسه، آلمان و بریتانیا در بیانیه‌ای مشترک ضمن ابراز تاسف از بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران، بر تعهد خود به حفظ برجام و تلاش برای حفظ جریان‌های مالی و صادرات انرژی ایران تأکید کردند. (De Carbonnel, 2018). با وجود این، ناکامی اینستکس نشان داد که ساختارهای اقتصادی بین‌المللی همچنان تحت سلطه آمریکا هستند و اتحادیه اروپا، علی‌رغم تلاش برای حفظ استقلال اقتصادی، در برابر فشارهای ساختاری واشنگتن آسیب‌پذیر باقی مانده است. اقدامات این اتحادیه مانند «قانون مسدودکننده» و ایجاد سازوکارهایی همچون اینستکس، نشان‌دهنده تلاش‌های آن برای تقویت روابط با ایران و کاهش تأثیرات تحریم‌هاست. این تلاش‌ها به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها شدت گرفت. با این حال، این سیاست‌ها با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه بوده‌اند. به‌ویژه، فشارهای اقتصادی و تهدیدات حقوقی واشنگتن باعث شده بسیاری از شرکت‌های اروپایی از همکاری با ایران خودداری کنند. بنابراین، اگرچه اتحادیه اروپا در تلاش است تا به عنوان یک بازیگر مستقل در نظام بین‌الملل ظاهر شود، اما سلطه آمریکا بر هنجارهای اقتصادی جهانی مانع از تحقق کامل این هدف شده است.

اینده روابط ایران و اتحادیه اروپا در سایه تحریم‌ها

در پرتو تجربه‌های پرنوسان روابط اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا، می‌توان برای افق سال‌های آینده، سه سناریوی محتمل ترسیم کرد که بر پایه‌ی متغیرهایی چون تداوم یا کاهش تحریم‌ها، تحولات سیاسی در آمریکا و اروپا، و ظرفیت‌های داخلی دو طرف شکل می‌گیرند:

- ۱. سناریوی حفظ وضعیت موجود (ثبات شکننده):** در این سناریو، تحریم‌های ثانویه همچنان برقرار باقی می‌مانند و اتحادیه اروپا نیز از ایجاد سازوکارهای مؤثر مالی ناتوان است. تجارت میان ایران و اروپا به سطوح پایین ولی مستمر محدود می‌شود و تنها در حوزه‌هایی خاص مانند دارو، غذا یا برخی اقلام بشردوستانه ادامه می‌یابد. بی‌اعتمادی ساختاری و نبود چشم‌انداز روشن موجب رکود در روابط تجاری می‌شود.
- ۲. سناریوی گشایش تدریجی (بازسازی تعامل):** با تغییر در رویکردهای سیاسی در آمریکا یا اروپا و یا احیای مذاکرات هسته‌ای، امکان بازسازی تدریجی اعتماد و رفع بخشی از موانع تجاری فراهم می‌شود. شرکت‌های متوسط اروپایی با حمایت نهادهای اتحادیه، به بازار ایران باز می‌گردند. حوزه‌هایی مانند انرژی، حمل و نقل، و فناوری‌های سبز می‌توانند در اولویت همکاری قرار گیرند. این روند، آهسته ولی رو به پیشرفت خواهد بود.

۳. سناریوی افول بیشتر (جدایی ساختاری): در این حالت، نه تنها تحریم‌ها کاهش نمی‌یابند، بلکه فشارها تشدید شده و اتحادیه اروپا به دلیل وابستگی‌های امنیتی و مالی، از هرگونه تعامل اقتصادی مؤثر با ایران فاصله می‌گیرد. ایران نیز در پاسخ، تمرکز کامل خود را بر شرکای شرقی معطوف می‌کند. روابط تجاری به سطح نمادین یا صرفاً سیاسی تقلیل می‌یابد و نقش اروپا در معادلات اقتصادی ایران به تدریج کمرنگ می‌شود. در مجموع، مسیر آینده به شدت وابسته به متغیرهایی چون نتایج انتخابات در آمریکا و اروپا، وضعیت پرونده هسته‌ای، تحول در سیاست خارجی چین و روسیه، و نقش آفرینی نهادهای بین‌المللی خواهد بود. تحلیل سازه‌انگاره نشان می‌دهد که بازنمایی متقابل و ادراک از «دیگری» یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین افق این روابط است.

فرصت‌های همکاری ایران و اتحادیه اروپا، به‌ویژه در حوزه انرژی و تجارت، قابل توجه است. ایران می‌تواند با تأمین منابع نفت و گاز، به کاهش وابستگی انرژی اروپا به روسیه کمک کند. این تعاملات، علاوه بر مزایای اقتصادی، زمینه‌ساز همکاری‌های استراتژیک خواهد شد. همچنین، اتحادیه اروپا می‌تواند در توسعه فناوری و اقتصاد ایران نقش ایفا کند. در مسائل امنیتی نیز، ایران می‌تواند به عنوان شریک منطقه‌ای عمل کند. این همکاری‌ها می‌توانند به بهبود تصویر بین‌المللی ایران و کاهش بی‌اعتمادی جهانی کمک کنند.

آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا به توانایی دیپلماتیک دو طرف بستگی دارد. در صورت استفاده مؤثر اروپا از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های همسو در ایران، امکان بهبود تدریجی روابط وجود دارد. این همکاری می‌تواند الگویی برای ثبات در خاورمیانه باشد. موفقیت این مسیر مستلزم تغییر در هنجارهای بین‌المللی و بازتعریف نقش ایران و اتحادیه اروپا در نظم جهانی است.

به طور کلی، پیش‌بینی آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا در سایه تحریم‌ها پیچیده است و به‌طور قطع نیازمند تحلیل دقیق‌تر شرایط جهانی و منطقه‌ای است. اگر دو طرف بتوانند با انعطاف‌پذیری بیشتری عمل کنند و منافع مشترک را در اولویت قرار دهند، ممکن است روابط ایران و اتحادیه اروپا در آینده از موقعیت بحرانی کنونی عبور کند و به همکاری‌های گسترده‌تری در زمینه‌های مختلف منجر شود.

نتیجه‌گیری

روند تجارت میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۰ تاکنون، بازتابی از فراز و نشیب‌های روابط دیپلماتیک، تحولات ژئوپلیتیکی، و سیاست‌های تحریمی قدرت‌های جهانی بوده است. از منظر نظریه سازه‌انگاری، این تحولات صرفاً برآمده از محاسبات مادی یا منافع اقتصادی نبوده، بلکه محصول فرآیندهای پیچیده‌ای از بازتعریف هویت‌ها، هنجارها و گفتمان‌های سیاسی در نظام بین‌الملل است. دوره‌هایی از گشایش نسبی، مانند توافق برجام و کاهش موقتی تحریم‌ها، همواره با بازگشت فشارهای اقتصادی و مداخله سیاست‌های فرامرزی آمریکا، به ویژه از طریق تحریم‌های ثانویه، دچار وقفه و واگرایی شده‌اند. سازه‌انگاری با تأکید بر نقش تعاملات اجتماعی در شکل‌دهی به هویت بازیگران، توضیح می‌دهد که چرا این نوسانات تجاری را نمی‌توان جدا از تحولات گفتمانی و هویتی تحلیل کرد.

داده‌ها و شواهد این بازه زمانی نشان می‌دهد که هرگاه مسیر تعامل مبتنی بر توافقات چند جانبه و احترام به قواعد بین‌المللی فراهم شده، تجارت میان ایران و اتحادیه اروپا نیز شکوفاتر شده؛ و هرگاه موازنه به سود فشارهای یک جانبه و هژمونیک تغییر یافته، مناسبات تجاری نیز به شدت متزلزل و محدود شده‌اند. این الگو با مفروضات سازه‌انگاری همخوانی دارد که بر ساخته‌شدن اجتماعی واقعیت‌های بین‌المللی تأکید می‌کند. تحریم‌های ثانویه

آمریکا نقشی تعیین کننده در برهم زدن چرخه‌ی اعتماد و سرمایه گذاری میان دو طرف ایفا کرده‌اند، اما از دیدگاه سازه‌انگاری، این تحریم‌ها صرفاً محدودیت‌های اقتصادی نبوده‌اند، بلکه ابزاری برای تغییر محیط هنجاری و بازتعریف هویت ایران به عنوان «دیگری» در نظام بین‌الملل بوده‌اند. شرکت‌های اروپایی، به دلیل وابستگی به نظام مالی آمریکا، در موقعیتی ناامن قرار گرفتند و بخش بزرگی از مناسبات اقتصادی با ایران را متوقف کردند. این وضعیت نه تنها پیامد اقتصادی داشت، بلکه باعث تضعیف هویت مستقل دیپلماتیک اتحادیه اروپا شد و نگاه ایران به اروپا را دگرگون ساخت. از منظر سازه‌انگاری، این تحولات نشان‌دهنده تقلای اتحادیه اروپا برای حفظ هویت مستقل خود در برابر فشارهای هژمونیک آمریکاست. مفاهیمی مانند «چندجانبه‌گرایی»، «استقلال راهبردی» و «حفظ برجام» در گفتمان اروپایی، بازتابی از این کشمکش هویتی است. از سوی دیگر، ایران نیز با سیاست‌هایی چون «نگاه به شرق» تلاش کرده است شرکای تجاری جدیدی جایگزین اروپا کند، اما داده‌های تجاری نشان می‌دهند که ظرفیت‌ها و مزیت‌های بالقوه در روابط با اروپا هنوز از میان نرفته‌اند. سازه‌انگاری توضیح می‌دهد که چگونه این سیاست‌ها نیز برآمده از بازتعریف هویت ایران در پاسخ به تحولات گفتمانی بین‌المللی است. بازسازی این روابط، هرچند دشوار، همچنان ممکن است، اما مستلزم تغییر در ساختارهای معنایی و هنجاری حاکم بر روابط بین‌الملل است.

این مقاله نشان می‌دهد که متغیرهایی چون تغییر در سیاست‌های آمریکا و اروپا، احیای توافقات چندجانبه، و اراده برای طراحی سازوکارهای مالی مستقل، نقش مهمی در تعیین این مسیر ایفا کرده بودند. از دیدگاه سازه‌انگاری، این سناریوها نه تنها به تحولات مادی، بلکه به چگونگی تکامل گفتمان‌ها و هویت‌های جمعی ایران در یک سو اتحادیه اروپا با آمریکا در سوی دیگر، وابسته هستند. در نهایت، بازتعریف یک نظم اقتصادی متوازن و غیروابسته، مستلزم تعامل هوشمندانه، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک، و کاستن از شکاف‌های اعتماد دوجانبه خواهد بود. این فرآیند نیز، همانند سایر پدیده‌های بین‌المللی، در چارچوب سازه‌انگاری به عنوان محصولی از تعاملات اجتماعی و گفتمانی قابل تحلیل است. به این ترتیب، نظریه سازه‌انگاری با تمرکز بر نقش هویت‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها، چارچوبی تحلیلی برای فهم عمیق‌تر روند تجارت ایران و اتحادیه اروپا با لحاظ کردن نقش آمریکا به عنوان بازیگر تأثیرگذار فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که تحولات اقتصادی این رابطه را نمی‌توان جدا از تحولات هویتی و گفتمانی در نظام بین‌الملل درک کرد.

پیشنهادهای کاربردی برای بهبود روابط ایران و اتحادیه اروپا

در پرتو تجربه پرتنش سال‌های اخیر، به‌ویژه تأثیرات تحریم‌های ثانویه و افت‌وخیزهای دیپلماتیک، بهبود روابط تجاری میان ایران و اتحادیه اروپا نیازمند راهکارهایی چند بُعدی، واقع‌گرایانه و تدریجی است. بر اساس یافته‌های این مقاله، موارد زیر به عنوان پیشنهادات کاربردی مطرح می‌شوند:

۱. **تمرکز بر حوزه‌های کم‌ریسک اقتصادی برای آغاز همکاری مجدد:** بخش‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی هوشمند، دارو و سلامت، فناوری محیط زیستی، و خدمات آموزشی، می‌توانند آغازگر بازسازی اعتماد اقتصادی باشند. این حوزه‌ها با کمترین اصطکاک سیاسی، به مرور زمان پتانسیل همکاری را دارند.
۲. **بازتعریف همکاری‌های علمی و دانشگاهی به عنوان کانال نرم‌افزارانه تجارت:** استفاده از دیپلماسی علمی، تبادلات پژوهشی و حمایت از پروژه‌های مشترک دانشگاهی می‌تواند به صورت غیرمستقیم زیرساخت‌های فکری و نهادی همکاری‌های بلندمدت اقتصادی را تقویت کند.

۳. **تعامل هدفمند با کشورهای کلیدی درون اتحادیه اروپا:** ایران می‌تواند با بهره‌گیری از دیپلماسی هوشمند، با کشورهایی مانند آلمان، ایتالیا و اتریش به‌طور ویژه وارد گفت‌وگوهای اقتصادی شود؛ کشورهایی که تمایل بیشتری به حفظ تعاملات دارند و در تصمیم‌سازی‌های اتحادیه نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند.
۴. **افزایش شفافیت مالی و اقتصادی در ایران:** رفع موانع داخلی تجارت، بهبود فضای سرمایه‌گذاری، مقابله با فساد اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های حقوقی، موجب ارتقاء تصویر بین‌المللی ایران و کاهش ریسک همکاری برای شرکت‌های اروپایی خواهد شد.
۵. **پیشبرد دیپلماسی اقتصادی فعال و هوشمند:** به جای انتظار برای تحولات ساختاری در آمریکا یا اروپا، ایران باید با تکیه بر ظرفیت‌های منطقه‌ای، نهادهای چند جانبه (مانند بریکس و شانگهای) و تعامل متوازن با شرق و غرب، ابتکار عمل در بازتعریف مسیر همکاری با اروپا را به‌دست گیرد.
۶. **بازسازی تدریجی تصویر دیپلماتیک ایران در رسانه‌های اروپایی:** یکی از موانع مهم در تعاملات تجاری، ادراک منفی افکار عمومی اروپا نسبت به ایران است. ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای، گفت‌وگو با اندیشکده‌ها، و تولید محتوای هدفمند به زبان‌های اروپایی، تصویر واقع‌گرایانه‌تر و مثبتی از اهداف اقتصادی و دیپلماتیک خود ارائه دهد. این اقدام به کاهش فشار افکار عمومی بر دولت‌های اروپایی در مسیر تعامل با ایران کمک خواهد کرد.

منابع

۱. ابراهیم منقی، حجت کاظمی (۱۳۸۶)، سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان.
۲. ابوالقاسم مجتهدی زنجیرآباد، محمدرحیم عیوضی (۱۳۹۷)، بررسی نظریه سازه‌انگاری در حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل و لزوم به‌کارگیری آن در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی راهبرد، ۲۷(۴).
۳. برچیل و همکاران (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح‌الله طالبی، تهران، نشر میزان.
۴. جهانگیر معینی علمداری، عبدالله راسخی (۱۳۸۹)، روش شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۲(۴).
۵. لیلا ترکی، باران مظاهری (۱۳۹۹)، تأثیرات اقتصادی تحریم‌های مالی بر اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۳.
۶. ماشاالله نجف‌زاده، محمد ترابی (۱۴۰۰)، تحلیل سیاست‌گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از منظر قدرت نرم، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی در مدیریت، سال یازدهم.
۷. محمدجواد سلطانی گیشینی، نیکنام ارشدنیا (۱۴۰۳) تأثیر جنگ اوکراین بر چرخش از ژئواکونومیک به ژئوپلیتیک در روابط ایران - اتحادیه اروپا، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳).
۸. محمدنیا، مهدی (۱۳۹۳)، سازه‌انگاری کلی‌گرا: رهیافتی جامع برای توضیح رفتارهای سیاست‌خارجی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، سال پنجم، شماره اول.
۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، سازه‌انگاری به عنوان فراتر از نظریه روابط بین‌الملل، سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۶۵).
۱۱. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، نظریه سازه‌انگاری متعارف و پژوهش در روابط بین‌الملل و استلزامات پژوهشی، پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، جدید (۱۲).
۱۲. مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، جلد ۵، قم، صدرا، چاپ اول، بی‌تا.
۱۳. ونت، الکساندر (۱۳۹۸)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات وزارت امور خارجه.

14. Adler, Emanuel (1997), Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics, *European Journal of International Relations*, 3(3).
15. Wendt, Alexander (1992), *Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics*, *International Organization*, 46(2).
16. Azizi, H. (2023), *Iran's "Look East" Strategy: Continuity and Change under Raisi*, Middle East Council, Available at: <https://mecouncil.org>
17. Azizi, H., & van Veen, E. (2024), *Hurtling towards irrelevance: Iran - EU relations in 2024*, *Clingendael Institute*. Available at: <https://www.clingendael.org>

18. Batmanghelidj, E. (2021), High stakes: How sanctions relief could impact EU-Iran trade, European Council on Foreign Relations. Available at: <https://ecfr.eu>
19. De Carbonnel, A. (2018), EU aims to block U.S. sanctions on Iran, Reuters. Available at: <https://www.reuters.com>
20. European Commission (2019), EU trade relations with Iran, Available at: <https://policy.trade.ec.europa.eu>
21. -European Council (2018), Iran's nuclear agreement, Available at: <https://www.consilium.europa.eu>
22. European External Action Service (2018), EU's Commitment to the Iran Nuclear Deal, Available at: <https://www.eeas.europa.eu>
23. European External Action Service (2018), *Iran Deal: EU to shield EU companies from re-imposed US sanctions*, Available at: <https://www.eeas.europa.eu>
24. European Union External Action Service (2015), Iran and the EU, Available at: <https://www.eeas.europa.eu>
25. Finnemore, M., & Sikkink, K. (2001), Taking stock: The constructivist research program in international relations and comparative politics. *Annual Review of Political Science*, 4(1), 391-416. <https://doi.org>
26. Geranmayeh, E., & Rapnouil, M. L. (2019), Meeting the Challenge of Secondary Sanctions, *European Council on Foreign Relations*. Available at: <https://ecfr.eu>
27. GOV.UK. (2023), The 10 INSTEX shareholder states have decided to liquidate INSTEX due to continued obstruction from Iran: E3 statement. Available at: <https://www.gov.uk/government/news>.
28. Henry Farrell & Abraham L Newman (2019), Weaponized Interdependence: How Global Economic Networks Shape State Coercion, *International Security*, 44(1).
29. Hengel, D., Small, A., & Kirschenbaum, J. (2018), Three Views on U.S. Withdrawal from Iran Deal, and Europe and China's Response, *The German Marshall Fund of the United States*. Available at: <https://www.gmfus.org/news>.
30. Katzenstein, Peter J. (1996), *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*, New York, Columbia University Press.
31. Katzman, Kenneth. (2021), Iran Sanctions, Congressional Research Service
32. Reus-Smit, Christian (2001), Constructivism', *Theories of International Relations*, Burchill Scott and Andrew Linklater (eds.), New York, Palgrave.
33. Reuters. (2024). Iran summons heads of four European embassies over missile allegations, Available at: <https://www.reuters.com>
34. Robinson, Kali (2021), What Is the Iran Nuclear Deal? Council on Foreign Relations. Available at: <https://www.cfr.org>
35. Rosenberg, E. (2018), The EU Can't Avoid U.S. Sanctions on Iran, Foreign Affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com>
36. The Guardian (2018), Europe's Clash with Trump Over Iran Nuclear Deal Is a Durability Test, Available at: <https://www.theguardian.com>
37. Wendt, Alexander (1992), *Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics*. *International Organization*, 46(2)

Analysis of trade trends between Iran and the European Union from 2010 to 2025: From US secondary sanctions to interaction

Samiyeh Soleymani¹

Reza Simbar²

Abstract

The US's secondary sanctions, as a tool for maximum pressure, have had a significant impact on the foreign trade and diplomatic relations between Iran and the European Union, and have transformed the interaction between them. Using a structuralist theoretical framework and a descriptive-analytical method, this study examines the trend of bilateral trade between 2011 and 2025 and the international factors affecting it. The main question of the study is: What trend has Iran-EU trade undergone between 2010 and 2025, and how have the US secondary sanctions affected this trend? The research hypothesis states that the US secondary sanctions, by creating structural pressure on the European Union, have weakened the independence of the Union in its interactions with Iran and have caused significant fluctuations in the volume of bilateral trade and overall relations between the Union and Iran. The findings show that the European Union, despite its desire to preserve the JCPOA and engage with Iran, has lost the ability to implement independent policies under the influence of American norms and economic pressures. This research analyzes the political, economic, and normative dimensions of bilateral relations to explain international variables on the trade trend between the two countries and the role of influential factors.

Keywords: Secondary sanctions, Iran-EU relations, Structuralism

¹-Master's degree in Political Science and International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

sa.soleymani.sa@gmail.com

²-Full Professor, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran